

اتیکت

با آرزوی بهترین‌ها برای تو که بهتری‌نی!

رفقا سلام!

این روزها که اخبار خوب درباره شطرنج زیاد به گوش‌مون می‌رسه، بشنوید از «پرهام مقصودلو» که کولای کرده. پرهام که نماينده شطرنج کشورمون در رقابت‌های سونیس بوده، نه تنها تا حالا شکستی نداشته که جلوی استادبزرگ شطرنج روسیه هم کم نیاورده و باهاش مساوی کرده. آفرین بهش!

شماره پیامک ۲۰۰۰۹۹۹
شماره تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶
تلفن تحریریه ۰۵۱۳۷۶۳۴۰۰۰



صفحه نوجوان
روزهای فرد



گپ دوستانه دو نوجوان و یک کارشناس درباره خط‌کشی‌های دخترانه- پسرانه

تفاوت‌ها را بپذیریم نه کلیشه‌ها را!

حسام صدق‌دوست

میزگرد

حتماً شما هم بارها با این جملات روبه‌رو شده‌اید؛ اگر پسر باشید، «مگه دختری که گریه می‌کنی؟» و اگر دختر هستید، «فوتبال مال پسراست». یک‌سری کارها و رفتارها دخترانه و تعدادی، پسرانه فرض می‌شوند. در این

دختر مگه راننده میشه؟



قصه از آن‌جا شروع می‌شود که روزی نسترن و نازنین همراه پدرشان برای دیدن مسابقات دریفِت (همان ترمز دستی کشیدن یا دور در جای خودمان) به پیست اتومبیلرانی می‌روند. پدر نسترن و نازنین قهرمان اتومبیلرانی بوده و حالا در کسوت مربی و داور مشغول فعالیت است، بنابراین طبیعی است که دو خواهر کم‌وبیش با چم‌وخم این رشته ورزشی آشنا باشند.

نسترن می‌گوید: «در

میان شرکت‌کنندگان

یک خانم هم حضور

داشت. بهرغم این‌که

پوشش‌اش مناسب

بود و توانایی‌هایش هم

بر کسی پوشیده نبود،

برگزارکنندگان رقابت از حضور

او در مسابقه جلوگیری کردند.»

نازنین ادامه می‌دهد: «با دیدن مسابقات دریفِت علاقه‌مند شدم که این رشته ورزشی را پیگیری کنم. پدرم هم می‌تواند کمک‌کننده ولی باوردم به این ورزش مخالف است. البته پدر و مادر ما اهل دخترانه و پسرانه کردن نیستند ولی می‌گویند حتی اگر حرف‌های شوی باز هم اجازه مسابقه دادن نداری، پس بهتر است دور دریفِت را خط‌بکشی.»

نسترن می‌گوید: «مشکل اما فقط رضایت پدر و مادرها نیست. جامعه و مسئولان هم سهم خود را دارند. به هر کسی از علائق‌مان می‌گوییم با تعجب می‌پرسد مگر دخترها هم می‌توانند از این کارها بکنند؟»

همه دخترها مثل هم نیستند

دو خواهر کم‌وبیش این موضوع را قبول دارند که بین دختران و پسران تفاوت‌هایی هست اما می‌گویند نه همه دختران مثل هم هستند و نه همه پسران یک‌چیزند. نسترن می‌گوید: «شاید دخترها بیشتر گریه‌کننده ولی اگر پسری هم احساسات خود را با گریه بروز دهد به او حق می‌دهم. فکر می‌کنم اگر دختری هم بخواهد کاری کند که در باور جامعه خطرناک و مختص پسران باشد، باید این فرصت را به او داد.» نازنین حرف خواهرش را تأیید می‌کند و می‌گوید: «وقتی به دختر خاله‌ام که حقوق خوانده و می‌خواهد وکیل شود گفتم چرا قضاوت را انتخاب نکردی، به من جواب داد که «قضاوت کار سختی است، خانم‌ها از پس آن بر نمی‌آیند و ممکن است احساس را جایگزین عدالت کنند». خب این انتخاب اوست و شناختش از خود این‌طور است ولی می‌دانیم که قاضی زن هم داریم؛ بنابراین خانم‌ها هم می‌توانند وقتی لازم باشد از احساس‌شان چشم‌پوشی کنند. کسی که از خودش شناخت کافی داشته باشد، می‌تواند راهش را انتخاب کند و نباید با قانون‌های دخترانه-پسرانه مانعش شد». نظر بچه‌ها این است که هرطور شده باید علایق خود را دنبال کنیم. نسترن می‌گوید:

«نمی‌توان همین‌طور نشست و منتظر ماند تا فردی ما را به آن‌چه علاقه داریم برساند. باید دیگران را متقاعد کنیم که محدودیت‌های جنسیتی را تا این حد سفت‌وسخت نگیرند و انتخاب‌های ما را محدود نکنند البته عوض کردن نظر همه کار راحتی نیست. با هر کسی درباره این چیزها بحث می‌کنم از معلم و همکلاسی و دوست تا فامیل و پدر و مادر همه حرف خودشان را می‌زنند». نازنین در ادامه می‌گوید: «اگر همه این‌ها را هم متقاعد کنیم، باز مسئولان هستند که دست ما به آن‌ها نمی‌رسد. آن‌ها را چه کنیم؟»



بخشی از موضوعی که امروز درباره‌اش حرف می‌زنیم، پدلیت کلیشه‌های جنسیتی است که عرف جامعه باعث آن شده اما در حالت کلی تفاوت‌هایی میان جنس مذکر و مؤنث وجود دارد؛ تفاوت‌های فیزیکی و تفاوت‌های ذهنی

بیا حرف بزنیم



«رضا ششم‌آبادی»، کارشناس جلسه در ادامه حرف‌های نسترن و نازنین می‌گوید: «بخشی از موضوعی که امروز درباره‌اش حرف می‌زنیم، به دلیل کلیشه‌های جنسیتی است که عرف جامعه باعث آن شده اما در حالت کلی تفاوت‌هایی میان جنس مذکر و مؤنث وجود دارد؛ تفاوت‌های فیزیکی و تفاوت‌های ذهنی. با رسیدن به بلوغ و نوجوانی تغییرات ظاهری مشهودی در دو جنس رخ می‌دهد. پسر عموماً از لحاظ فیزیکی قوی‌تر می‌شوند و به‌طور سنتی کارهای سخت به آن‌ها واگذار می‌شود. در عوض ذهن دخترها در جزئی‌نگری قوی‌تر می‌شود و این توانایی را کسب می‌کنند که چند کار را هم‌زمان انجام بدهند؛ پس به شکل سنتی کارهای متفاوتی به آن‌ها واگذار می‌شود. بنابراین اگر محدودیت‌هایی در بخش‌هایی از جامعه مشاهده می‌کنیم، یکی از دلایل این تفاوت‌هاست اما همه مثل هم نیستند، ممکن است خانمی نیروی جسمانی قوی یا آقای حساس‌تری نسبت به دیگری داشته باشد، پس می‌توان گفت در مواردی می‌توان این کلیشه‌ها را کنار گذاشت. برای این کار باید از مذاکره آغاز کنیم. گفت‌وگو راه و روشی دارد. می‌دانیم اگر جواب منفی بگیریم و از هدفی که داریم جلوگیری کنیم، احساس خشم به ما دست می‌دهد، بنابراین پیش از شروع مذاکره باید حس و هیجان خود را کنترل کنیم. بعد باید طرف مقابل را که معمولاً پدر یا مادر است، دعوت به صحبت کنیم یعنی از شان بخواهیم زمانی را برای گفت‌وگو در اختیارمان بگذارند. این کار حس‌مندی و احترام ایجاد می‌کند. مذاکره را هیچ‌وقت با گفتن «تو» پیش نمی‌بریم. یعنی نمی‌گوییم «تو/ شما قدیمی فکر می‌کنی! تو دختر و پسر می‌کنی!» این کار حس توهین و سرزنش در طرف مقابل ایجاد می‌کند. ابتدا نگرانی‌های آن‌ها را می‌شنویم و بعد از زبان خودمان یعنی با «ضمیر من» پاسخ می‌دهیم؛ «من این خواسته را دارم. من فکر می‌کنم این توانایی را دارم». از این طریق می‌توان راه را برای تغییر باز کرد. بحث قوانین یا عرف‌های جامعه هم به‌مرور قابل تغییر است. مثلاً می‌دانیم که زمانی زنان حق قضاوت نداشته‌اند ولی هم‌اکنون حدود هزار قاضی خانم داریم. براساس چنین مثال‌هایی امیدواریم که در سطح اجتماعی هم بتوان تغییراتی ایجاد کرد.»

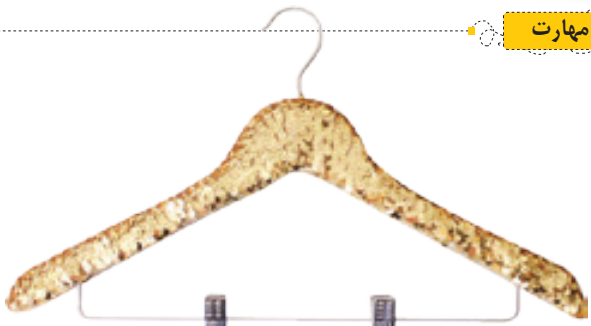
گالری

از لحاظ روحی احتیاج دارم روی ساعت دیواری خونه‌مون صبح یا بعدازظهر بودن زمان مشخص باشه تا عصرهای پاییز که بیدار می‌شم این قدر گیج و گنگ نباشم.

آیدو و اجرا: محمد علی محمدپور، سعید مرادی



میثی مهارت



چوب لباسی پولکی

الهام حبشی

اگر در کمند لباس‌های‌تان را باز کنید، با انبوهی از چوب‌لباسی‌های رنگارنگ با جنس‌ها و ظاهرهای متفاوت روبه‌رو خواهید شد؛ چوب‌لباسی‌های پلاستیکی، چوبی، فلزی و مفتولی که اغلب به اجسامی فراموش‌شده در کمند لباس‌های‌مان تبدیل می‌شوند. از بین جارختی‌ها، قدیمی‌ترهای‌شان را جدا کنید تا با پیشنهاد شگفت‌انگیز امروز، به سرو وضع ساده‌آن‌ها جلا دهیم. اگر چوب‌لباسی‌های‌تان مفتولی هستند می‌توانید از قسمت آویز، آن را باز و سیم بازیکش را با مروراید و مهره‌های رنگی در شرت پر کنید. اگر مروراید در دسترس‌تان نیست و به فنون بافتنی مهارت دارید، می‌توانید با کامواهای کلفت و متنوع دورتادور میله را ببوشانید. این کامواها از زمختی جالباسی‌ها کم می‌کنند و باعث می‌شوند رد میله، روی لباس‌تان نیفتد. اگر چوب‌لباسی‌هایی که برای زیباسازی انتخاب کرده‌اید پلاستیکی هستند، بیشتر می‌توانید سلیقه به خرج دهید. در بین تکه پارچه‌های دورریز و اضافه‌ای که دارید، شادترین سرچپچی‌ها را انتخاب کنید. پارچه‌ها را هماهنگ با اندازه چوب‌لباسی برش بدهید و با اندکی چسب چوب رقیق شده یا چسب مایع معمولی روی چوب‌لباسی بچسبانید. اگر با کمبود پارچه مواجه هستید، بهترین راه خرید چند متر روبان پهن است که قیمتی هم ندارد. چوب‌لباسی را به چسب آغشته کنید و از یک گوشه، روبان را لایه‌لایه روی آن ببیچانید. برای جلوه دادن به جارختی‌های چوبی هم می‌توانید از کاغذ رنگی یا نوار چسب‌های گل‌گلی استفاده کنید اما شکل‌ترین ایده برای زیباسازی چوب‌لباسی‌ها، استفاده از نوارهای پولکی آماده در بازار است. با این حال اگر هزینه نوار پولک‌دار برای‌تان به صرفه نیست، می‌توانید یک بسته پولک با قیمت بسیار مناسب تهیه کنید و روی چوب‌لباسی بچسبانید.

عجایب

زندگی روی هوا

حسن معلق بودن روی آسمان از آن حس‌هایی است که احتمالاً خیلی‌های‌مان بعضی اوقات تصور واز آن همه‌رها بودن حال خوبی پیدا کرده‌ایم. جالب است بدانید پرندهای بانام «بادخورک» زندگی‌اش کاملاً بر همین اساس پیش می‌رود. این پرنده کوچک که جثه‌ای مانند چلچله دارد می‌تواند حدود ۱۰ ماه از سال را بدون فرود آمدن، روی آسمان پرواز کند. «بادخورک» همان‌طور که از اسمش پیداست از نیروی باد برای معلق شدن استفاده می‌کند و در صورت مناسب بودن هوا نیازی به فرود آمدن ندارد. همین ویژگی به این پرنده جالب کمک می‌کند که بتواند مسافت‌های خیلی طولانی را از اروپا به آفریقا بدون فرود آمدن طی کند و خواب و بیداری و خورد و خوراکش در همان حالت پرواز باشد. این پرنده از حشرات معلق روی هوا تغذیه می‌کند.



لذت پوشیدن موسیقی!

همه ما این را قبول داریم که برای حس خوب گرفتن از یک موسیقی نیاز به گوشی برای شنیدن داریم. موسیقی از گوش ما وارد می‌شود و می‌تواند تمام حس‌های خوب دیگر را ایجاد کند. برای این که ناشنویان هم از موسیقی لذت ببرند گروهی از طراحان لباس دست به کار شدند. این گروه، لباس جالبی طراحی کرده‌اند که ناشنویان می‌توانند آن را ببوشند و از طریق حسی که لباس در آن‌ها ایجاد می‌کند، از موسیقی لذت ببرند. این بلوز که از سیستم پیشرفته رایانه‌ای برخوردار است، از طریق میکروفن‌های نصب‌شده صدا را دریافت و به وسیله حسگرهایی آن را به پوست بدن منتقل می‌کند تا شخص موسیقی را درک کند. آزمایش این بلوز موفقیت‌آمیز بوده است و افراد ناشنوا به کمک آن لباس حس خوبی از دریافت موسیقی داشته‌اند.



منبع: ایسنا

کرده‌اند می‌گویند پاسخ این پرسش به ذهن ما بر می‌گردد. ذهن ما به‌طور ناخودآگاه با دیدن رنگ قرمز به یاد میوه‌های رسیده و خوشمزه می‌افتد شبیه این است که ذهن به ازای هر رنگ یک مزه فرضی دارد که با توجه به تجربه‌های قبلی‌اش از خوراکی‌های رنگی شکل گرفته و برای همین است که با دیدن رنگ قرمز، مزه‌ای شیرین و جذاب مثل توت‌فرنگی در ذهن شکل می‌گیرد. خوردنی‌های سبز عموماً مزه لیمو و طعم ترش را در ذهن تداعی می‌کند و خوردنی‌های نارنجی آدم را به یاد مزه پرتقال می‌اندازد. بنابراین ذهن شما با اطلاعات قبلی‌اش برای‌تان ایده‌پردازی می‌کند و همین می‌شود که شما بین کیک‌های مختلف دوست دارید کیک قرمز را انتخاب کنید.

بر گرفته از مجله دانستنی‌ها (۹ تیر ۹۷)

چرا کیک و شیرینی‌های قرمز خوشمزه‌تر به نظر می‌رسند؟

مریم ملی|روزنامه نگار

بین کیک‌های شکلاتی و وانیلی ساده شاید اغلب ما به یک کیک شکلاتی علاقه‌مند باشیم و علتش هم احتمالاً رنگ و طعمی است که از شکلات و کاکائو در ذهن‌مان تداعی می‌شود اما وقتی پای کیک‌های مخملی قرمز رنگ به میان می‌آید تصمیم‌گیری خیلی سخت‌تر می‌شود. انگار مغز ما قفل می‌زند که باید این کیک خوش‌آب و رنگ و نرم را امتحان کنی. کیک همان کیک است فقط رنگش عوض شده ولی این همه میل و علاقه ما به کیک قرمز از کجا می‌آید؟

متخصص‌های تغذیه که به‌طور علمی روی این قضیه کار

